

## کتاب هایی برای شنیدن

# گزارشی از تولید و استقبال کتاب‌های گویا در گفت‌وگو با نویسندگان و شاعران

در دنیای امروز که همه چیز، آماده شده در اختیار انسان قرار می‌گیرد، بعضی‌ها ترجیح می‌دهند دیگران مطالعه کنند و خلاصه‌اش را برای آنها تعریف کنند و یا برخی نیز دوست دارند خود کتاب را بخوانند.



کتاب گویا تنها کتابی است که می‌توان آن را با چشم بسته خواند. در دنیای امروز و با مشغله‌های فراوان دیگر وقتی برای خواندن کتاب نیست به نظر می‌رسد کتاب گویا می‌تواند در همین مشغله‌ها به داد افراد کتابخوان برسد. هنگام رانندگی، در حال استراحت در منزل یا در حال انجام کارهای خانه می‌توانیم به جای تورق یک کتاب، آن را گوش دهیم. حتی به گفته کارشناسان فرهنگی برای جبران کمبودهای ناشی از مطالعه نکردن، کتاب گویا تکنولوژی‌ای است که فراهم شده تا در کمبود زمان، از این امکانات برای مطالعه بهره‌مند شویم. با این حال همه منتقدان و کارشناسان ادبی، نویسندگان و حتی ناشران نظرهای متفاوتی درباره این کتاب‌های گویا (صوتی) دارند و همه به صورت صددرصد موافق آن نیستند. چنانچه کتاب‌های گویا نیز همچون کتاب‌های الکترونیک موافقان و مخالفانی دارد.

## کتابی که تنها برای نابینایان نبود

کتاب گویا برای اولین بار و در پاسخ به نیاز نابینایان در ایران و در سال ۱۹۲۹ توسط دکتر جواد شوکولاتخور که خود نابینا بود ارائه شد ولی به سرعت و به دلیل جذابیت مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت. البته تاریخچه تولید این کتاب‌ها به سال ۱۹۳۱ میلادی می‌رسد زمانی که در ایالات متحده آمریکا اولین بار این نوع کتاب‌ها برای نابینایان تحت پروژه‌ای به نام «پروژه کتاب برای افراد نابینا» مطرح شد و اولین کتاب گویا حدود ۸۱ سال پیش در سال ۱۹۳۲ میلادی تولید شد. در حال حاضر کتاب گویا پدیده‌ای شناخته شده در کشورهای توسعه یافته است.

## کتاب گویا راهکاری برای ترویج کتابخوانی

در کتاب گویا دیگر به صفحات کاغذی کتاب نیازی نیست و لزومی ندارد که کتاب را در دست گرفته و ورق بزنیم، می‌توانیم در هر جایی که هستیم مطالعه کنیم؛ به زعم برخی از مسئولان توجه به تولید کتاب‌های گویا می‌تواند با جذب علاقه‌مندان که به هر دلیل به سوی نسخه‌های چاپی نمی‌روند، سرانه مطالعه را افزایش دهد و بر ارتقای سطح فرهنگ عمومی بیفزاید. گفته می‌شود کتاب گویا شاید یکی از بهترین راهکارهای ترویج مطالعه و کتابخوانی در عصر کنونی باشد. اما وقتی سری به کتابفروشی‌های میدان انقلاب می‌زنیم ناشران و کتابفروشان هستند که زیاد هم به تولید کتاب‌های گویا روی خوشی نشان نمی‌دهند، «عباس قدیمی» مدیر یکی از کتابفروشی‌ها در این زمینه می‌گوید: «تجهیزات مورد نیاز برای تولید این کتاب‌ها، دعوت از گویندگان حرفه‌ای و... همگی باعث می‌شود تا این کار هزینه‌های زیادی داشته باشد. البته این کار نسبت به کتاب‌های چاپی باز هم از هزینه کمتری برخوردار است. اما از یکسو هنوز احساس نیاز در ناشران برای تبدیل کتاب‌هایشان به کتاب گویا ایجاد نشده و از سوی دیگر این نوع کتاب‌ها کمتر شناخته شده است و مخاطب کمتری سراغ آن را می‌گیرد.»

البته برخی روان‌شناسان نیز کتاب‌های گویا را زیاد مفید نمی‌خوانند، آنان معتقدند: در کتاب‌های چاپی، رمز دیداری که همان حروف الفباست و رمز شنیداری به معنایی تبدیل می‌شود و دو نیم‌کره مغز را درگیر می‌کند، اما در کتاب صوتی ما محرک

دیداری را محدود کرده و تنها به محرک شنیداری توجه می‌کنیم که این ویژگی منفی عامل فراموشی است. به همین دلیل فردی که کتابی را می‌شنود، تمایل دارد آن را بخواند تا مدت زمان یادگیری را افزایش دهند.

حجازی: کتاب‌های صوتی در جامعه امروز که به ناچار در ترافیک‌های طولانی می‌مانیم و انواع تکنولوژی‌های روز همراهان است، ضروری است. نمی‌توانیم از داشتن کتاب گویا اجتناب کنیم اما بزرگ‌ترین احتیاج ما زمانی مرتفع می‌شود که آنچه می‌شنویم ساز ناکوکی نباشد و خواننده با شنیدن کتاب به سمت خود کتاب هم برود

## کتاب‌های گویا با ویژگی‌های منحصربه‌فرد

برخی نیز ادعا دارند که کتاب‌های گویا در زمینه شعر و ادبیات می‌تواند تاثیرگذارتر باشد و می‌توان با ضبط صدای شاعر و تولید یک کتاب گویا از آثار آن، گنجینه‌ای صوتی ایجاد کرد و این میراثی ماندگار برای آیندگان خواهد شد. با وجود موافقت برخی از نویسندگان و شعرا از تولید کتاب‌های گویا در زمینه شعر و ادبیات، بسیاری نیز می‌گویند تولید کتاب‌های گویا در زمینه شعر و ادبیات یک میزان و استاندارد از جمله نوع خوانش، لحن و صدا و... نیازمند است. در این زمینه «پاسین حجازی» یکی از نویسندگانی است که کتابش را به صورت کتاب صوتی درآورده، به سابقه ایجاد کتاب گویا در کشور اشاره کرده و می‌گوید: «در گذشته کتاب‌های گویا از یک ویژگی خاص و منحصربه‌فرد برخوردار بودند، کتاب‌هایی که با شنیدن آنها با صدای خود شاعر و نویسنده می‌توانستیم هم لذت خواندن کتاب را به نوعی ببریم و هم حظ وافر از شنیدن کتاب داشتیم. کتاب‌هایی که توسط شاملو، اخوان ثالث و فروغ خوانده می‌شد، یا کتاب‌های گویایی که توسط برخی ناشران عرضه می‌شد، کتاب‌هایی خاص که در زمان کودکی چیزی فراتر از یک داستان و شعر را به خواننده یاد می‌داد». وی ادامه می‌دهد: «نسل کتاب‌های گویای قدیمی هنوز که هنوز است کاری تکرار ناشدنی است. کتاب‌های صوتی که کسی آن را می‌خواند آوای شعر را می‌داند و نوع خوانش داستان را می‌داند. انتشار این کتاب‌های گویا را در آن سال‌ها نمی‌توان فراموش کرد.»

## کتاب گویا ضرورتی که نمی‌توان انکار کرد

نویسنده کتاب «آه» همچنین یادآور می‌شود: «در زمینه تولید کتاب‌های گویا، اتفاقی در سال‌های اخیر افتاده و کتاب‌هایی در این زمینه منتشر شده است اما باید یک معیار و خط‌کش برای تولید این نوع کتاب‌ها در نظر گرفت تا کتاب‌های گویا پیشنهادی باشد در کنار خود کتاب به خوانندگان». وی به متون قدیمی و کلاسیک و مجموعه شعرهای کهن نیز اشاره کرده و کتاب‌های صوتی در این زمینه را بسیار تاثیرگذار می‌داند به شرطی که خوانش آن دقیق و اصولی باشد. وی تصریح می‌کند: «در تولید کتاب‌های صوتی نباید شهرت کاذب خواننده را در نظر گرفت، ممکن است طرف صدای خوبی داشته باشد یا موسیقی و خوانندگی نوینی را عرضه کرده باشد اما کتاب‌های گویا موفق نباشد.

دیگر افرادی چون مرحوم خسرو شکیبایی کم هستند که کتابی را بخوانند، شعرهایی چون سهراب را به مخاطب عرضه کنند. این افراد که اغلب مرحوم شده‌اند و از میان ما رفته‌اند.» حجازی همچنین بر لزوم کتاب گویا در جامعه تاکید داشته و در این باره نیز می‌افزاید: «کتاب‌های صوتی در جامعه امروز که به ناچار در ترافیک‌های طولانی می‌مانیم و انواع تکنولوژی‌های روز همراهان است، ضروری است. نمی‌توانیم از داشتن کتاب گویا اجتناب کنیم اما بزرگ‌ترین احتیاج ما زمانی مرتفع می‌شود که آنچه می‌شنویم ساز ناکوکی نباشد و خواننده با شنیدن کتاب به سمت خود کتاب هم برود.»

## عدم استقبال کتاب گویا از سوی ناشران

با این حال ناشرانی نیز هستند که فعالیت در این حوزه را سخت می‌دانند، «معصومه زارعی»، یکی از فعالان حوزه تولید کتاب گویاست، وی درباره تولید این کتاب‌ها می‌گوید: «انجام این کار هزینه بسیار زیادی دارد، تهیه استودیوهای استاندارد ضبط، انتخاب گوینده‌ها و هزینه‌های جانبی موجب بالا رفتن هزینه‌ها می‌شود.» وی تصریح می‌کند: «برخی از ناشران نیز وارد این کار نمی‌شوند و نگران بازار فروش هستند. با وجود اینکه همه هزینه را خود ما پرداخت می‌کنیم ولی ناشران باز هم از انجام این کار شانه خالی می‌کنند و حتی حاضر نیستند کتاب‌های انتشاراتشان در قالبی نو و جدید منتشر شود.»

## کتاب گویا حامی ندارد

«فاطمه محمدیان» از دیگر فعالان این حوزه نیز اعتقاد دارد: «در اغلب کشورهای دنیا هم‌زمان با انتشار کتاب کاغذی، کتاب‌های گویا نیز منتشر می‌شود ولی در ایران ناشران به عنوان یک کار عجیب به آن نگاه می‌کنند، علاوه بر آن مردم نیز این کتاب‌ها را نمی‌شناسند و استقبال کمی از این کتاب‌ها می‌کنند.»



## کتاب گویا، فرهنگ شفاهی را تشدید می‌کند

با همه این اوصاف کارشناسان و منتقدان ادبی نیز کتاب گویا را حد فاصلی میان متن و روایت می‌دانند، «محمدعلی علومی» یکی از نویسندگان درباره کتاب‌های گویا می‌گوید: «این نوع کتاب‌ها با این که نوآوری‌هایی به دنبال دارد اما برای حوزه کتاب و کتابخوانی عواقبی را به دنبال دارند، به نظرم اگر قرار است کتاب صوتی از نوع داستان باشد، خواندن خود کتاب داستان و ورق زدنش بسیار لذت‌بخش‌تر است. کتاب‌های گویا لذت کتاب خواندن را از خواننده می‌گیرد». وی به سنت و پیشینه قصه‌گویی در ایران نیز اشاره کرده و یادآور می‌شود: «از سال‌های گذشته تا به امروز شاهنامه‌خوانی و حافظ‌خوانی و... را داشتیم و معتقدم اصطلاح کتاب گویا حد فاصلی است میان متن و روایتی است که از سوی خواننده کتاب یا راوی ارائه می‌شود».

وی تأکید می‌کند: «ما همیشه فرهنگ شفاهی را در طول تاریخ به همراه داشتیم، کتاب‌های گویا باعث می‌شود آن فرهنگ شفاهی ادامه یابد و آن را تشدید کند». علومی از جمله نویسندگانی است که لذت ورق زدن کاغذ را به شنیدن آن ترجیح می‌دهد، این طنزپرداز در این زمینه می‌گوید: «با این حال کتاب گویا حس‌نش این است که خواننده را با لذت اصل داستان خواندن آشنا می‌کند اما برای من خواندن کتاب لذت‌بخش‌تر از شنیدن کتاب است.»